

در جمع مرد و زن از لحاظ طبیعت زنانه و مردانه، بیرون است توجه ما را به
 مورد معطوف می کند. به خصوص امروزه که زن و مرد بر خلاف گذشت
 سعی در شناخت خورد دینند. و نشانیهای جنسیت و روابطشان را با یک
 دیگری بررسی مجدد قرار می دهند. و در عین حال موضوعی را از روی
 آنکه اطلاعات مفیدی در اختیار ما می گذارد که می توانیم مستقیماً از
 آن بهره ببریم.

در روابط جنسی، طبیعت کلیتاً بر مبنای
 جنسی از جهت نظر به های کارل گوستاو جینگل (1859-1909) و
 سوندر، در این حوزه است. بونگ با ارائه مفاهیم اولیه و اساسی از
 این مباحث، به عنوان زن و مرد را به طور قابل ملاحظه ای افزایش
 می دهد. در حقیقت، می توان گفت بونگ تنها روانشناسی است که به روشی
 علمی و انسانی زن و مرد تمایز قابل شدت و نظایان داد که تا چه حد به هم
 متفاوت است. کتاب حاضر را به دلیل اهمیت و عمق آن که از این جهت مورد
 توجه است، به شما پیشنهاد می کنیم. این کتاب را می توان به عنوان
 یکی از بهترین کتابهای روانشناسی در این زمینه دانست.

یار پنهان

چگونه مرد و زن درونمان بر روابط ما تأثیر می گذارند

نویسنده: **جان ا. سنفورد**
 مترجم: **فیروزه نیوندی**

موضوع مرد و زن، از لحاظ طبیعت زنانه و مردانه، پیوسته توجه ما را به خود معطوف می‌کند. به خصوص امروزه که زن و مرد بر خلاف گذشته سعی در شناخت خود دارند، و نقشهای جنسیت و روابطشان با یکدیگر را مورد بررسی مجدد قرار می‌دهند؛ و در عین حال موضوعی کاربردی است که اطلاعات مفیدی در اختیار ما می‌گذارد که می‌توانیم مستقیماً در زندگی و روابط شخصی خود به کار گیریم.

یکی از مهمترین نظریه‌های کارل گوستاو یونگ^۱، روانشناس سوئیسی، در این حوزه است. یونگ با ارائه‌ی مفاهیم انیما^۲ و انیموس^۳، آگاهی ما از خود به عنوان زن و مرد را به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد. در حقیقت، می‌توان گفت یونگ تنها روانشناس قرن بیستم بود که بین روانشناسی زن و مرد تمایز قائل شد، و نشان داد که تا چه حد به هم مرتبط‌اند. کتاب حاضر را به دلیل اشتیاق وافر که امروزه در مورد روانشناسی جنسیت وجود دارد، و این که تاکنون هیچ کتابی پیرامون مهمترین عقاید یونگ در این خصوص ارائه نشده است، نوشته‌ام.

مخاطبان این کتاب کسانی‌اند که عقاید یونگ درباره‌ی زنانگی و

1. C. G. Jung

2. Amima

3. Animus

مردانگی برایشان تازگی دارد، و همچنین کسانی که با روانشناسی یونگ آشنایی قبلی دارند و احتمالاً به مباحث مهمی که درباره‌ی موضوع زن و مرد انجام گرفته، ولی هنوز منتشر نشده است، علاقه‌مندند. هر چند تلاش کرده‌ام بسیاری از سرنخهای تفکر یونگی را در این باره به هم برسانم، منتها ممکن است خواننده‌ی علاقه‌مند تمایل به مطالعه‌ی عمیق‌تر موضوع داشته باشد که بدین منظور در انتهای کتاب، کتابنامه‌ی منتخب آورده شده است. اجازه دهید این کتاب در حکم مقدمه و مطالعه‌ی اجمالی یک موضوع غنی و متفاوت باشد، نه یک اثر نهایی در زمینه‌ی دانشی که نیازمند بحث بیشتر و تحقیقات آتی است. در این تحلیل نهایی پیرامون زنانگی و مردانگی که روح انسان را بررسی می‌کند، هنوز نیافته‌های بسیاری وجود دارد که باید کشف شود.

فصل اول

مردان معمولاً خود را فقط مرد می‌دانند، و زنان خود را زن، ولی واقعیت روان‌شناختی نشان می‌دهد که انسان موجودی دو جنسی^۱ است. هایمیوستز ستورم^۲، سرخ‌پوست آمریکایی، می‌گوید «در وجود هر مرد انعکاسی از یک زن و در وجود هر زن انعکاسی از یک مرد وجود دارد.» این نه عقیده‌ی شخصی او، بلکه باور دیرین سرخ‌پوستان امریکاست. کیمیاگران قدیمی اتفاق‌نظر داشتند که «اگرچه آدم ابوالبشر دو جنسی ظاهری مردانه دارد، با وجود این، حوا یا بخش زنانه‌ی وجود او، همواره در کالبدش با اوست.»

اسطوره‌شناسی و سنتهای کهن که مکرراً حقایق روان‌شناختی را بیان می‌کنند - که در غیر این صورت مورد توجه ما قرار نمی‌گرفت - اغلب

۱- کلمه‌ی دو جنسی، Androgynous، از دو کلمه‌ی یونانی Andros به معنی مرد و Gynous به معنی زن تشکیل شده و به فردی اطلاق می‌شود که شخصیت وی دارای هر دو عنصر زنانه و مردانه است. Hermophrodite مترادف آن است، که از خدای یونانی هرمافرودیتوس Hermophroditus که از وصلت آفرودیته (Aphrodite) و هرمس (Hermes) متولد شده و خصوصیات هر دو را دارد، گرفته شده است.

2. Hyemeyohsts Storm, *Seven Arrows* (New York: Harper and Row, 1962), p. 14